

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید بهشتی

**تأثیر عراق جدید بر ساختار دولت و سیاست خارجی منطقه‌ای
جمهوری اسلامی ایران**

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته روابط بین‌الملل

توسط:

رضا امیدی فرد

استاد راهنما:

آقای دکتر حسین پوراحمدی

استاذ اطلاعات ایران علی بابا
توسعه و ارتقاء

۱۳۸۶ / ۱۱ / ۲۷

۹۹۹۱۵

شهریور ۱۳۸۶

تایید پایان نامه

عنوان پایان نامه: تاثیر عراق جدید بر ساختار دولت و سیاست
خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

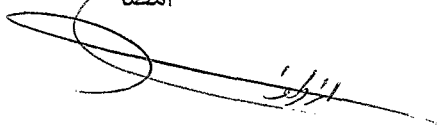
نام دانشجو: رضا امیدی فرد
دوره: کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل

این پایان نامه در جلسه ۱۳۸۶/۶/۲۰ با شماره ۱۹/۱۷ و درجه عالی مورد تأیید
اعضای کمیته پایان‌نامه متشکل از اساتید زیر قرار گرفت.

دکتر حسین پوراحمدی

استاد راهنما

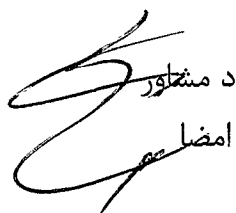
امضا



دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی

استاد مشاور

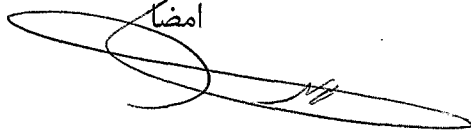
امضا



دکتر منصور میراحمدی

استاد ناظر

امضا



دانشکده علوم انسانی و سیاسی

کد (۷۵۰)

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۲۱

اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی خرداد ۱۳۸۵ تا شهریور ۱۳۸۶ به انجام رسیده و به استثناء کمک‌های مورد اشاره در سپاسگزاری، محتوای این پایان نامه بطور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاه‌ها ارائه نشده است.

رضا امیدی فرد

شهریور ماه ۱۳۸۶

امضا



سپاسگزاری

نگارش و تدوین این مجموعه، بی تردید مدیون راهنمایی، مساعدت و تشویق اساتید محترم و خانواده معزز و دوستان گرامی می‌باشد. در اینجا بر خود لازم می‌دانم که قدردانی و تشکر خود را از همه آنان بدینوسیله اعلام نمایم؛ بویژه:

جناب آقای دکتر حسین پوراحمدی، استاد محترم راهنما، که با دقت بسیار در طی مدت نگارش این پایان‌نامه، با صبر و بردباری مثال زدنی زحمات بسیاری را متحمل شدند.

جناب آقای دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی، استاد محترم مشاور، که کمک‌های بسیار ایشان چه در طی دوران مدیریت گروه و چه در انجام این پایان‌نامه راهگشای اینجانب بوده است.

جناب آقای دکتر منصور میراحمدی، استاد محترم ناظر و مدیر گروه، که بدون همکاری ستودنی ایشان فرجام کار دور از دسترس می‌نمود، دقت و نکته‌سنجی‌های ایشان در مطالعه این رساله به غنای علمی آن افزوده است.

سرکار خانم مهین مرندی، منشی محترم گروه علوم سیاسی، که دقت و تلاش ایشان در پیگیری و مهیا ساختن مقدمات برگزاری جلسه دفاع به طور خاص و حل مشکلات دوران دانشجویی به طور عام مورد تشکر و امتنان است.

در نهایت قدردانی خود را نثار خانواده و دوستان عزیزم می‌نمایم که با تشویق‌های بسیار مرا در طی نگارش این رساله تنها نگذاشتند و حضور آنان مشوق پیمودن این مسیر بود.

عنوان: تاثیر عراق جدید بر ساختار دولت و سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

دانشجو: رضا امیدی فرد

استاد راهنما: دکتر حسین پوراحمدی

دوره: کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل

تاریخ ارائه: شهریورماه ۱۳۸۶

چکیده:

عراق جدید و تحولات رخ داده در آن می‌تواند منشا ایجاد تحولات در همسایگان این کشور گردد. در این رساله به بررسی «تاثیر عراق جدید بر ساختار دولت و سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» پرداخته شده است. فدرالیسم و جدایی دین از سیاست و همچنین سیاست خارجی نوین عراق می‌توانند بر ساختار دولت و سیاست خارجی ایران تاثیرگذار باشند. برای بررسی این موضوع، پس از ارائه چارچوب نظری بحث در فصل دوم، تحولات عراق در فاصله زمانی مارس ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ در فصل سوم آورده شده است. فصول چهار و پنج به بررسی وضعیت عراق در چارچوب مولفه‌های لیبرالیستی و رئالیستی اختصاص دارد. در فصل ششم تاثیر تحولات عراق بر ساختار دولت و سیاست خارجی ایران مورد بحث قرار می‌گیرد. نتیجه حاصل از این پژوهش به طور خلاصه این است که فدرالیسم عراق می‌تواند در افزایش سطح خواسته‌های اقوام ایرانی و نهایتاً ایجاد خلل در انسجام و یکپارچگی ایران و تعامل جدید دین و دولت در آن کشور نیز بر ساختار ایدئولوژیک دولت در ایران تاثیرگذار باشد. سیاست خارجی ایران نیز تحت تاثیر این تحولات قرار می‌گیرد.

کلمات کلیدی: ایران، عراق، فدرالیسم، قومیت، سیاست خارجی، رابطه دین و حکومت

۱	فصل اول: طرح تحقیق
۱۱	فصل دوم: چارچوب نظری؛ استخراج مولفه‌های تحلیلی لیبرالیسم و رئالیسم
۱۲	آغاز سخن
۱۲	۱- لیبرالیسم:
۱۳	۱-۱- مفاهیم لیبرالیسم
۱۷	۲- رئالیسم:
۲۰	سخن پایانی:
۲۳	فصل سوم: تحولات عراق
۲۴	آغاز سخن
۲۴	۱- حمله اول آمریکا به عراق
۳۱	۲- سیر تاریخی تحولات در عراق پس از اشغال
۳۱	۱-۲- سال ۲۰۰۳
۳۵	۲-۲- سال ۲۰۰۴
۴۲	۲-۳- سال ۲۰۰۵
۵۳	۲-۴- سال ۲۰۰۶
۵۶	۲-۵- سال ۲۰۰۷
۶۲	فصل چهارم: کاربرد مولفه‌های تحلیلی لیبرالیستی در فهم ساخت نوین قدرت در عراق
۶۳	آغاز سخن
۶۳	شاخصه‌های لیبرالیستی ساخت قدرت
۶۳	۱- قسمت اول: نظام فدرالی
۶۳	۱-۱- وضعیت عراق از نظر اقوام و مذاهب
۶۵	۱-۱-۱- اعراب سنی
۶۶	۱-۱-۲- شیعیان
۶۶	۱-۱-۳- قوم کرد
۷۰	۱-۲- مبانی قانونی فدرالیسم در عراق نوین
۷۲	۲- قسمت دوم: رابطه دین و حکومت
۷۲	۲-۱- نظریه اسلامی پیرامون رابطه دین و دولت
۷۳	۲-۲- گروه‌های شیعی در عراق
۸۱	۲-۳- حوزه نجف
۸۱	۱-۲-۳- تاریخچه حوزه علمیه نجف

۸۴ ۲-۳-۲-روند سیاسی غالب در حوزة نجف
۸۵ ۲-۴- نظرات آیت الله سیستانی
۸۷ سخن پایانی
۹۰ فصل پنجم: مولفه‌های رئالیستی رفتار سیاست خارجی عراق
۹۱ آغاز سخن
۹۱ ۱- عوامل ثابت و متغیر در سیاست خارجی عراق
۹۴ ۲- سیاست خارجی منطقه ای عراق
۹۶ ۲-۱- ایران
۹۸ ۲-۲- موقعیت منطقه‌ای
۱۰۰ ۲-۳- کشورهای منطقه
۱۰۱ ۲-۴- آمریکا و اسرائیل
۱۰۷ ۳- مسایل اقتصادی
۱۰۸ ۳-۱- کنفرانس مادرید
۱۰۹ ۳-۲- کنفرانس شرم الشيخ مصر
۱۱۰ سخن پایانی
 فصل ششم: بررسی تاثیرات عراق نوین بر ساختار دولت و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۱۱۳ آغاز سخن
۱۱۴ ۱- بخش اول: تاثیرات عراق نوین بر ساختار دولت در ایران
۱۱۴ ۱-۱- تاثیر بر اقلیت های قومی و مذهبی در ایران
۱۱۴ ۱-۱-۱- بررسی وضعیت اقلیت ها در ایران
۱۱۸ ۱-۱-۲- حقوق اقلیتها در قانون اساسی ایران
۱۲۲ ۱-۱-۳- بررسی تاثیرات تحولات عراق بر اقلیت های قومی و مذهبی در ایران
۱۲۴ ۱-۲- تاثیر بر ساخت ائدولوژیک حکومت در ایران
۱۲۴ ۱-۲-۱- ساختار دینی حکومت در ایران با توجه به قانون اساسی
۱۲۶ ۱-۲-۲- حوزه قم و کارکرد علمی و سیاسی آن
۱۳۰ ۱-۲-۲-۱- کارکرد سیاسی حوزه
۱۳۳ ۱-۲-۳- بررسی تاثیر تحولات نوین در حوزه و دولت عراق بر حوزه و دولت در ایران
۱۳۵ ۱-۲-۳-۱- اختلافات موجود میان حوزه‌های نجف و قم
۱۳۷ ۲- بخش دوم: تاثیرات عراق نوین بر سیاست خارجی ج.ا.ایران
۱۳۷ ۲-۱- موقعیت منطقه ای ایران

۱۴۰.....	۲-۲- مواضع ایران در قبال آمریکا و اسرائیل
۱۴۲.....	۲-۳- روابط ایران با کشورهای منطقه
۱۴۳.....	سخن پایانی
۱۴۸.....	فصل هفتم: استنتاجات
۱۵۳.....	منابع

فصل اول:
طرح تحقیق

طرح مسأله:

معمولاً روابط هر کشور با همسایگانش در قالب یکی از اشکال همزیستی مسالمت‌آمیز، هم‌پیمانی و رقابت و منازعه قابل بررسی است.^۱ به‌طور خلاصه، در مورد روابط دو کشور ایران و عراق می‌توان دوره‌هایی را به صورت زیر برشمرد:

دوره همزیستی و هم‌پیمانی نسبی:

از زمان قیمومیت انگلیس بر عراق (۱۹۲۰) و سپس استقلال آن کشور در سال ۱۹۳۲ و تا پایان عمر حکومت پادشاهی در سال ۱۹۵۸، به علت نفوذ انگلستان در منطقه روابط ایران و عراق چه در قالب پیمان سعدآباد و چه پیمان بغداد و یا حتی خارج از آن، بیشتر دوستانه بوده است. هر چند که در این دوره نیز اختلافات مرزی گاه و بیگاه رخ می‌داد. اما معمولاً بدون درگیری مهمی حل می‌شد.^۲

دوره رقابت و جنگ:

پس از کودتای سال ۱۹۵۸ در عراق و سقوط نظام پادشاهی در این کشور^۳ روابط ایران و عراق وارد دوره‌ای از رقابت‌های جدی شد که ابتدا (۶۸ - ۱۹۵۸) این رقابت محدودتر و سپس با آغاز حکومت بعث (۸۸ - ۱۹۶۸) وارد دوره تنش، منازعه و جنگ گردید^۴ و از سال ۱۹۸۸ به بعد تا سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲) وضعیت «نه جنگ و نه صلح» حاکم شده است. در دوره ۲۰۰۳ - ۱۹۵۸ مسائل مختلفی در روابط دو کشور مطرح بوده است. روابط نزدیک دولت‌های عراقی پس از کودتا (۱۹۵۸) با شوروی (سابق) و ورود ناوگان شوروی به خلیج فارس در حمایت از آنها و نگرانی دولت ایران از این امر^۵، سیاست‌های تندروانه عراق در سطح منطقه و تضاد ماهیتی با نام‌های پادشاهی از جمله در ایران، سیاست‌های گسترش طلبانه سرزمینی در قبال کویت و ایران و طرح مسئله ارون‌درو^۶ و طرح ادعا در مورد خوزستان^۷، ایجاد درگیری‌های نظامی در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۵۲^۸ و از همه مهم‌تر تجاوز به سرزمین ایران در سال ۱۳۵۹ و ۸ سال جنگ تحمیلی و بالاخره مسئله کردها^۹ و شکل‌گیری گروه‌های معارض و حمایت دو کشور از این گروه‌ها در شمار آن مسائل می‌باشد. از دیگر مواردی که در این دوره قابل ذکر است، اتخاذ سیاست ایرانی ستیزی توسط عراق بود، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی؛ دوستی رژیم شاهنشاهی با اسرائیل و آثار نامطلوب آن بر ذهنیت اعراب و همچنین سیاستگذاران رژیم بعثی عراق، منجر به پاکسازی جمعیتی عراق از گروه‌های ایرانی و اساساً اتخاذ «سیاست ایرانی‌ستیزی» از سوی عراق گردید.^{۱۰} اخراج ۴۰ هزار نفر از اکراد فیلی (شیعه) در سال‌های (۷۲ - ۱۹۷۱) و موج دوم اخراج ایرانی‌تبارها، تحت عنوان

ستون پنجم - که به عنوان پیشگامان توسعه‌طلبی ایران در عراق متهم و اخراج شدند - در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ از نقاط عطف سیاست ایرانی‌ستیزی رژیم بعثی تلقی می‌شود. دولت بعثی عراق برای افزایش ناسیونالیسم عراقی و کاهش شکاف‌های اجتماعی سنی - شیعه و عرب - کرد، مبارزه با ایرانیان و یهودیان را دنبال می‌کرد و پس از پیروزی انقلاب نیز، به خصوص در سال‌های ۸۱ - ۱۹۷۹ این سیاست به شدت پی‌گیری شد.

دوره همزیستی مسالمت‌آمیز:

از بهار ۲۰۰۳ (۱۳۸۲)، با توجه به قدرت گرفتن شیعیان در عراق و نیز مناسبات مثبت رهبران اکراد و شیعیان با دولت ایران، که نقش مؤثری در دولت نوین عراق دارند، به نظر می‌رسد دست کم در میان مدت - طی ۱۰ سال آینده - مناسبات دوجانبه ایران با عراق، روندی مسالمت‌جویانه را طی نماید.

تأثیر تحولات عراق نوین بر جمهوری اسلامی ایران

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان، عراق به عنوان هدف دوم در جنگ علیه تروریسم انتخاب گردید. آمریکا در خالی که در جنگ اول خلیج فارس با وجود فرصت سرنگونی صدام به این عمل دست نزده بود، در سال ۲۰۰۳ یکی از اهداف خود از حمله به عراق را تغییر رژیم عنوان نمود. پس از حمله و اشغال سریع عراق، مرحله بازسازی آغاز گردید. منظور از بازسازی در این پژوهش بازسازی ساختار سیاسی است. بازسازی ساختار قدرت در عراق سه سال طول کشید و نهایتاً در ماه مارس ۲۰۰۶ بر اساس قانون اساسی دائمی پارلمان چهارساله عراق افتتاح گردید و یک ماه بعد از آن نوری‌مالکی به عنوان نخست وزیر این کشور معرفی گردید.^۱

از دیدگاه برخی کارشناسان عواملی همچون: فقدان اجماع سیاسی، سنت‌های سرکوب‌گرایانه، تعاریف حداقلی از زندگی و فقدان سنت مدنی سهم‌دهی در تصمیم‌گیری، وجود رقابت‌های قومی و قبیله‌ای، نهادینه بودن فرهنگ سیاسی اقتدارگرایانه، تحركات نظم‌ستیز گروه‌های تروریستی و... متغیرهایی هستند که روند تحول کیفی عراق را آهسته و چشم انداز تحولات عراق را نامساعد جلوه‌گر می‌نمایند.

اما به نظر می‌رسد در کنار واقعیات و مولفه‌های فوق، متغیرهایی مانند: اجماع نظر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جهت استقرار امنیت در عراق، تجارب متراکم گرانبار رهبران گروه‌های معارض به ویژه شیعیان و اکراد که پس از چند دهه اختلاف، مناقشه و درگیری، با درک اوضاع حساس موجود جهان و منطقه و به ویژه الزامات دوره گذار عراق، با گذار از افراط و تفریط‌های سیاسی و اتخاذ

^۱ جزئیات این روند در فصل سوم به تفصیل بیان گردیده است.

سیاست‌های متعادل و واقع‌بینانه، بیش از همیشه، زمینه تفاهم و دستیابی به اهداف گروهی و ملی خویش را فراهم ساخته‌اند و نیز حافظه تاریخی توده‌های عراقی خسته از اقتدارگرایی، شرایط نامطلوب اقتصادی و ناامنی، مجموعه عواملی هستند که دستیابی به آینده‌ای روشن برای عراق را امری قابل تحقق جلوه می‌دهند.^{۱۱}

همچنین، با توجه به وجود سرمایه‌های انسانی و فکری، برخورداری از منابع عظیم نفت، گاز، آب و زمین کشاورزی مرغوب، نیروی انسانی با سواد عمومی و تخصصی بالا و متخصصان برجسته خارج از کشور، که عراقی‌ها دارند، اگر ارتباطات بین‌المللی معقول میان این کشور و محیط خارجی ایجاد گردد، ثروت ملی آن در راستای توسعه یافتگی و تعامل فرهنگی صرف خواهد شد. بنابراین، باید برای عراق نوین چشم‌انداز روشنی را ترسیم نمود.^{۱۲}

ساختار سیاسی جدید در عراق به طور کامل متفاوت از دوران حاکمیت صدام در این کشور است. با توجه به این موضوع که یکی از عوامل تاثیرگذار بر سیاستگذاری داخلی و خارجی یک کشور، محیط پیرامونی آن کشور می‌باشد، دگرگونی بنیادین رخ داده در عراق می‌تواند در ابعاد مختلف بر کشورهای پیرامونی آن تاثیرگذار باشد. تغییر ساختار نظام سیاسی عراق، با توجه به نقش جدید شیعیان در آن، از مهم‌ترین متغیرهای تاثیرگذار بر ساختارها و هنجارهای محیط پیرامونی است.^{۱۳}

در این رساله، هدف بررسی تاثیر تحولات عراق نوین بر ساختار دولت و سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. عراق نوین در این رساله اشاره به بازه زمانی پس از اشغال تا اتمام روند بازسازی ساختار سیاسی در این کشور، دارد. جهت بررسی این موضوع در ابتدا گزارشی از اشغال و تحولات عراق طی دوره ۲۰۰۳ - ۲۰۰۷ ارائه می‌گردد و در ادامه به تجزیه و تحلیل این تحولات در عراق در دو بعد ساختار داخلی و سیاست خارجی خواهیم پرداخت. سپس تاثیر این تحولات بر ساختار دولت و سیاست خارجی ج.ا.ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

سوال اصلی و سوالات فرعی :

با توجه به مطالب ذکر شده، این پژوهش حول این سوال اصلی شکل می‌گیرد که :

شکل گیری دولت جدید در عراق بر چه جنبه‌هایی از ساختار دولت و سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری

اسلامی ایران تاثیر می‌گذارد؟

سوالات فرعی این پژوهش عبارتند از :

الف) پس از اشغال عراق چه تحولاتی در این کشور رخ داده است ؟

ب) تشکیل دولت فدرال در عراق بر چه جنبه‌هایی از ساختار دولت در ایران تأثیر گذار است؟
ج) الگوی جدید تعامل دین و حکومت در عراق بر چه جنبه‌هایی از ساختار ایدئولوژیک دولت در ایران تأثیر گذار است؟

د) سیاست خارجی عراق نوین چگونه می‌تواند در سیاست خارجی ایران تأثیر گذار باشد؟

مفروض‌ها:

۱- دو کشور ایران و عراق به علت ارتباطات گسترده از تحولات یکدیگر تأثیر می‌پذیرند.

۲- کشور عراق به مرور از وضعیت فعلی خارج و به سمت دموکراسی و آرامش پیش می‌رود.

فرضیه:

ساختار دولت جدید و روابط خارجی نوین عراق بر ساخت قدرت و سیاست خارجی منطقه‌ای ایران تأثیر گذار است. فدرالیسم و رابطه دین و حکومت از جمله مولفه‌های عراق جدید می‌باشند که بر حوزه داخلی ایران تأثیر می‌گذارند. موقعیت منطقه‌ای ایران در خلیج فارس و سیاست خارجی نسبت به اسرائیل نیز از موضوعاتی هستند که تحت تأثیر تحولات عراق قرار می‌گیرند.

پیشینه تحقیق:

بررسی پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با روابط عراق و ایران نشان می‌دهد که اکثر پژوهش‌ها و مطالب موجود در این زمینه یا به صورت تاریخی به روابط ایران و عراق پرداخته‌اند و یا به تأثیرات ایران بر عراق توجه نموده‌اند. هم‌چنین به این دلیل که تحولات ساخت دولت در عراق بسیار نوین می‌باشند، پژوهش یا کتابی که در جهت بررسی تأثیر تحولات عراق بر ایران تلاش کرده باشد یافت نگردید و تنها در چند مقاله و یک پایان‌نامه در حد چند پاراگراف به این موضوع پرداخته شده است. به عنوان مثال پایان‌نامه‌ای با عنوان «حمله آمریکا به عراق و پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن برای جمهوری اسلامی ایران» در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است که نویسنده آن به پیامدهای سیاسی و اقتصادی حمله آمریکا به عراق بر ایران توجه کرده است و نه تحولات کشور عراق به عنوان یک متغیر ثابت. این پایان‌نامه در پنج فصل تنظیم گردیده که فصل پنجم به پیامدهای سیاسی و اقتصادی حمله آمریکا به عراق برای جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. بخش کوچکی در این فصل ذیل عنوان «آینده عراق و تهدید ایران» به تأثیر آینده عراق بر موقعیت منطقه‌ای ایران در خلیج فارس می‌پردازد.

این در صورتی است که تلاش ما در این رساله کاملاً بر موضوع تأثیر تحولات عراق بر ایران متمرکز شده و از دخالت دادن متغیرهای بین‌المللی تا حد امکان اجتناب گردیده است.

مفاهیم و متغیرهای اصلی پژوهش :

در این پژوهش «ساخت دولت جدید در عراق» متغیر ثابت و «تحول در ساختار دولت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» متغیر وابسته محسوب می‌گردد.

فدرالیسم: واژه فدرال و فدراسیون از واژه‌ی لاتین Foedus به معنی قرارداد یا موافقتنامه برآمده است.^{۱۴} در این گونه نظام حکومتی، علاوه بر تفکیک قوای سه‌گانه‌ی حکومتی، به موجب قوانین اساسی ملی و ایالتی و یا قوانین عادی، اعمال قوای حکومتی بین مرکز و حکومت‌های ایالتی و ولایتی تقسیم می‌شود و ایالات و واحدهای کوچکتر کشور حتی دهکده‌ها هم تا حدی که قانون اجازه دهد، در امور داخلی خود آزادند و می‌توانند امور مربوط به خود را متناسب با اوضاع و احوال و رسوم و شرایط محلی و تمایلات خود انجام دهند.^{۱۵}

حکومت فدرال، حکومتی است متعادل مابین حکومتی که در آن قدرت، کاملاً متمرکز و در اختیار یک کانون است و حکومت کنفدراسیون، که در آن قدرت کاملاً پخش است و هر واحد قدرتی بسیار مستقل از مرکز قرار دارد و در واقع با نوعی دولت‌های نیمه مستقل مواجهیم که بر سر اشتراک در بعضی اهداف دور هم جمع شده‌اند و تشکیل حکومتی واحد داده‌اند؛ مثل کشور امارات متحده عربی که کنفدراسیونی متشکل از هفت شیخ نشین است. در حکومت فدرال اگر اختلافی بین ایالت‌ها و حکومت مرکزی پیش آید، در راستای منافع ملی این اختلاف به نفع حکومت مرکزی حل و فصل می‌شود. نظام حکومت فدرال برای هماهنگی و دادن سهم مناسبی از قدرت به مردمانی با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و سنت‌های مختلف تحت یک حکومت مرکزی واحد ایجاد می‌شود.^{۱۶}

در این ساختار حکومتی، دو گرایش متضاد با هم آشتی داده می‌شوند: اول علاقه به خودمختاری و دوم کشش به سوی تشکیل یک جامعه‌ی کل که همه اجتماعات عضو را در برگیرد. فدرالیسم را باید ارضا کننده‌ی حس استقلال طلبی ملت‌های کوچک به دلیل ضرورت توسعه‌ی کمی و کیفی برای ملتی واحد دانست.^{۱۷} معمولاً در این گونه کشورها، دو مجلس وجود دارد که قوه‌ی مقننه فدرال را تشکیل می‌دهند. نخستین مجلس، بیانگر آرای ملی مردم و وحدت و یکپارچگی است و هر فردی بی‌توجه به ایالت متبوع خود به عنوان عضو کشور فدرال، در انتخابات شرکت می‌کند؛ ولی مجلس دوم نماینده‌ی ایالت‌هاست و قاعدتاً از نمایندگان ایالات عضو تشکیل می‌گردد. قوه‌ی قضاییه دولت - کشور فدرال نیز از

اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که علاوه بر وظایف عالی قضایی، باید در مرافعات و تعارضات بین دول عضو، با یکدیگر یا با دولت مرکزی نیز تصمیم بگیرد.^{۱۸}

اصولا ایالت‌های عضو یک نظام حکومتی فدرال چند وظیفه مهم را به دولت مرکزی واگذار می‌کنند:

۱- سیاستگذاری پولی و مالی از جمله حاکم بودن پول واحد در سراسر کشور ۲- پرچم واحد ملی ۳- سیاست خارجی ۴- ارتش و مسائل امنیت ملی و در کل هر آنچه را که به منافع کلان واحد ملی مربوط می‌شود و برای پیشبرد منافع ملی ضرورت دارد.

نظام حکومتی فدرال محاسن و معایبی دارد؛ از جمله محاسن آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- در سیستم حکومت فدرال، بعضی اوقات می‌توان واحدهای ایالتی را به عنوان آزمایشگاهی دانست که بعضی از برنامه‌های دولتی قبلا در یکی از آنها به اجرا در می‌آید و اگر نتیجه مطلوب بود، در سراسر کشور اجرا می‌گردد ۲- در این نظام، حکومت مرکزی می‌تواند بدون لطمه زدن به حق حاکمیت ایالات، قوانین متحدالشکلی برای یکنواخت کردن امور اداری کشور تصویب و اجرا کند که تحقق بخش منافع ملی باشند. ۳- سیستم کنترل و موازنه (Check and Balance) که در حکومت فدرال وجود دارد از تمرکز غیر نافع قوا جلوگیری می‌نماید. ۴- عدم تمرکز اختیارات و قوا، از فشار زیاد کار بر دوش حکومت مرکزی جلوگیری می‌کند. ۵- سیستم حکومت فدرال مانند مدرسه تعلیم و تربیت است و اهالی کشور را آماده می‌کند که در اداره‌ی امور کشور نظارت و دخالت کنند.^{۱۹}

معایب این نظام نیز عبارتند از: ۱- کندی در تصمیم‌گیری ۲- عدم توانایی در تصمیم‌گیری‌های قاطع و بدون چون و چرا، هم در عرصه‌ی داخلی و هم در عرصه‌ی بین‌الملل ۳- به علت محلی‌گرایی شدید، عملا به جریان انداختن مازاد ثروت از ایالت‌های غنی به سوی ایالت‌های فقیر به سختی صورت می‌گیرد. ۴- در صورت عدم فرهنگ سازی، عدم تمرکز و ضعف دولت مرکزی، احتمال تجزیه واحد ملی افزایش می‌یابد.^{۲۰}

سانترالیسم: سیستمی است که در آن یک مرکز سیاسی واحد، عهده دار امور و مسئول اداره کلیه مسائل اعم از محلی و ملی است.^{۲۱} ویژگی‌های سانترالیسم عبارت است از: ۱- تمرکز صلاحیت در وضع قوانین و مقررات.

۲- تمرکز تشکیلات و حق عزل و نصب ماموران و مستخدمان عمومی. ۳- تمرکز اختیارات و تصمیمات نسبت به اجرای قوانین و اداره عمومی. ۴- تمرکز وجوه دولتی و وحدت بودجه مملکتی و شخصیت حقوقی دولت.

حکومت دینی: سیستمی که قوانین و مقررات آن بر مبنای یک دین الهی باشد. در این سیستم مقامات مذهبی عهده دار مدیریت جامعه هستند و مشروعیت خویش را از دین (خداوند) می‌گیرند و نه مردم. به عبارت دیگر مردم به عنوان ناصر حکومت مطرح هستند و نه ناصب.^{۲۲}

حکومت غیر دینی: اعتقاد به تفکیک حوزه دین و حوزه سیاسی. به طور خاص در این پژوهش این اصطلاح به نوع حکومت در عراق اشاره دارد که در آن علیرغم تعیین دین (اسلام) به عنوان یک منبع اصلی قوانین، روحانیون دینی به صرف داشتن مقامات بالای مذهبی در مناصب حکومتی قرار نمی‌گیرند.

قومیت: قوم^I یکی از انواع اساسی پاره فرهنگ‌ها^{II} محسوب می‌شود. قوم مشابه نژاد^{III} است، با این تفاوت که قوم در طی زمان تغییر می‌کند، در حالی که نژاد تقریباً ثابت است. گروه‌های قومی بر اساس مشخصه‌هایی همچون دین، زبان و ویژگی‌های جسمی^{IV} از یکدیگر متمایز می‌شوند.

فرد ای. جاندت، در کتاب «ارتباطات میان فرهنگی»، در مورد هویت فرهنگی می‌نویسد: هرگاه اعضای یک جمعیت، به طور آگاهانه خود را یک گروه بدانند که در سلوک با یکدیگر از یک نظام مشترک نماد، معنی و هنجار برخوردارند، دارای هویت فرهنگی مشترک هستند.^{۲۳}

در واقع، احساس هویت ترکیبی است از همسانی‌ها و تمایزها. یک مسلمان اهل سنت بلوچ یا یک عرب زبان خوزستان در مواجهه با فارس زبانان شیعه هموطن خود، احساس تمایز و در مواجهه با اعضای قوم خودی احساس همسانی می‌کند و این همان احساس قومیت است. به عبارت دیگر به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کنند، قومیت می‌گویند. اعضای گروه‌های قومی، از نظر فرهنگی خود را متمایز از گروه‌بندی‌های دیگر در جامعه می‌دانند و دیگران نیز آنان را همین گونه در نظر می‌گیرند. درجه این احساس همسانی و تفاوت، تحت تأثیر نوع دیالکتیک میان فرد و جامعه اوست. هر چه قدر قوم مداری میان اعضای این قوم و یا در میان اعضای اقوام دیگر، به ویژه اقوام مسلط، بیش‌تر باشد، احساس تفاوت بیش‌تر خواهد شد. قوم‌مداری^V قضاوت منفی نسبت به فرهنگ و پاره فرهنگ‌های دیگر بر اساس معیارهای فرهنگ خودی است. به عبارت دیگر، قوم‌مداری باور داشتن برتری فرهنگ خودی است.

^I Ethnic

^{II} Sub Culture

^{III} race

^{IV} Physical Features

^V Ethnocentrism

روش تحقیق:

این پژوهش از روش توضیحی - تحلیلی بهره می‌برد و با توجه به تأثیر اصول لیبرالیسم در ساخت دولت جدید در عراق از این رهیافت برای تحلیل وضعیت تحولات قدرت داخلی عراق بهره می‌بریم. در بررسی تحولات سیاست خارجی عراق رهیافت تحلیلی رئالیسم به عنوان چهارچوب نظری بحث مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سازماندهی پژوهش:

این پژوهش شامل هفت فصل می‌باشد. پس از اتمام این فصل که به طرح کلیات پژوهش اختصاص دارد، در فصل دوم به بررسی رهیافت‌های لیبرالیسم و رئالیسم می‌پردازیم، این فصل با ارائه مولفه‌های تحلیلی این دو رهیافت که ما را در بررسی تأثیرات ساخت دولت جدید و سیاست خارجی عراق بر حوزه داخلی و سیاست خارجی ج.ا.ایران یاری می‌رسانند، به پایان می‌رسد.

فصل سوم به تاریخچه تحولات در عراق می‌پردازد. در این فصل علاوه بر ذکر وقایع و رخداد‌های مهم و تأثیرگذار در عراق پس از اشغال توسط آمریکا طی فاصله زمانی ۲۰ مارس ۲۰۰۳ تا مارس ۲۰۰۷، به طور خلاصه سیر تحولات در عراق قبل از اشغال را نیز مورد پوشش قرار می‌دهد. اهمیت این فصل به این جهت است که بدون دانستن تحولات رخ داده در عراق پس از اشغال نمی‌توانیم تأثیر آنها را بر ایران بررسی نماییم. بنابراین سعی نموده‌ایم که در این فصل تحولات عمدتاً سیاسی و بازسازی ساختار سیاسی دولت عراق را پوشش دهیم.

در فصل چهارم و پنجم مولفه‌های تحلیلی لیبرالیسم و رئالیسم - که در فصل دوم استخراج می‌گردد - را در فهم تحولات عراق بکار می‌گیریم. در فصل چهارم به بررسی فدرالیسم و تعامل دین و دولت در عراق می‌پردازیم و در فصل پنجم سیاست خارجی منطقه‌ای عراق نوین را بررسی می‌نماییم.

در فصل ششم به بررسی تأثیر تحولات عراق در دو حوزه داخلی و سیاست خارجی منطقه‌ای بر ساختار دولت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. فصل هفتم، فصل پایانی و شامل نتیجه‌گیری و ارائه راهکار می‌باشد.

فصل دوم:

چارچوب نظری؛

استخراج مولفه‌های تحلیلی لیبرالیسم و رئالیسم

پانوشته‌ها:

- ^۱ موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصرتهران، نقش شیعیان در فرایند دولت‌سازی عراق نوین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۸۰
- ^۲ مسعود کوهستانی نژاد، «روابط ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹، صص ۱۷-۳۶
- ^۳ ابراهیم مشفق فر، «حاکمیت رژیم‌های کودتایی در عراق و تشدید بحران‌های سیاسی و نظامی با ایران (۱۳۳۷-۱۳۵۷)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹، صص ۱۱۸
- ^۴ محمدعلی بهمنی قاجار، «کودتای ۱۹۶۸ حزب بعث و تأثیر آن بر روابط سیاسی و اقتصادی ایران و عراق»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹، ص ۷۸
- ^۵ ابراهیم مشفق فر، پیشین، ص ۹۵
- ^۶ محمدعلی بهمنی قاجار، پیشین، ص ۸۱
- ^۷ ابراهیم مشفق فر، پیشین، صص ۱۲۴-۱۳۰
- ^۸ ابراهیم مشفق فر، پیشین، صص ۱۳۰-۱۳۷
- ^۹ علی بیگدلی، «قرارداد ۱۹۷۵ ایران و عراق»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹، ص ۷۸
- ^{۱۰} پیشین، نقش شیعیان در فرایند دولت‌سازی عراق نوین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۸۱
- ^{۱۱} همان، ص ۸۲
- ^{۱۲} محمود سریع‌القلم، «عراق جدید، خاورمیانه جدید؛ پی‌آمدهای نظری برای ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۳۸۱، شماره ۴، صص ۶-۷
- ^{۱۳} سیروس برنابلدچی، «روند دولت‌سازی در عراق نوین؛ بایسته‌ها و رویکردهای ج.ا.ایران»، نامه دفاع، شماره ۵، ۱۳۸۳، ص ۳
- ^{۱۴} عبدالرحمن، عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشرنی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۷
- ^{۱۵} ابوالقاسم طاهری، حکومت‌های محلی و عدم تمرکز، تهران: قومس، ۱۳۷۲، ص ۹۴
- ^{۱۶} Jack C. plano, *The International Relation Dictionary*, pp.۴۱۷-۴۱۸
- ^{۱۷} ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. چاپ ششم. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، صص ۲۶۶-۲۶۴
- ^{۱۸} همان
- ^{۱۹} ابوالقاسم طاهری، پیشین، ص ۹۵
- ^{۲۰} همان، صص ۹۸-۹۶
- ^{۲۱} غلامرضا علی‌بابایی، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۳، ص ۲۰۸
- ^{۲۲} غلامرضا علی‌بابایی، فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات آشیان، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱
- ^{۲۳} مهدی محسنیان راد، ضرورت توجه به ارتباطات میان فرهنگی گروه‌های قومی در جامعه ایران، همایش علمی «ایران و جامعه اطلاعاتی در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی» (تهران، ۲۵-۲۸ آذر ۱۳۸۱) (سخنرانی)